

#محدودیت_ثبت_طلاق

جامعه پدیا

بخشنامه‌ای که تعداد ثبت طلاق در دفاتر رسمی را محدود می‌کرد، در دیوان عدالت اداری باطل شد. این بخشنامه از زمستان سال ۱۳۹۸ از سوی قوه قضاییه صادر شده و در آن سقف تعداد طلاق‌ها مشخص می‌شد؛ به شکلی که امکان ثبت بیش از آن در دفاتر وجود نداشت. قوه قضاییه در آن سال اعلام کرد که برخی دلایل با دفاتر و کارمندان مجتمع‌های قضایی زد و بند می‌کنند. سهمیه طلاق برای هر دفتر خانه ۷۴ راقعه در عماه ابتدای سال ۱۳۹۹ تعیین شده بود که به معنی ۱۲ مورد در ماه است. اکنون دیوان در بیانیه‌ای اعلام کرده است که این دستورالعمل برای ایجاد عدالت و مساوات بین دفاتر رسمی بود اما باعث تضییع حقوق آنها شده است. همچنین اجرای طرح سقف طلاق ناقض حقوق فردی واراده و آزادی مراجعه‌کنندگان به دفتر خانه دلخواه خود و در نتیجه موجبات ناراضایی و سردگمی مردم شده که با باطل کردن رسمی این بخشنامه، سقف ثبت طلاق در دفتر خانه‌ها بر داشته شده است.

خبرخوان

مدیرکل درمان سستاد مبارزه با مواد مخدر گفته در ۸ سال گذشته خلوص مواد مخدر از **۲۶ درصد به ۱۱ درصد** رسیده است و علاوه بر مواد از آن حتی مواد گران‌قیمت هم ناخالصی دارند که باعث بیماری و مسومیت در مصرف‌کننده‌ها می‌شود.

اداره کل حقوقی قوه قضاییه اعلام کرد **پرداخت دیه به زیان‌دیده**، اولیای دم‌وی با قائم‌مقام آنان حکمی عام است و اتباع غیرمجاز هم می‌توانند دیه در یافت کنند.

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت بیشتر جانبازان اعصاب و روان به روانپزشک مراجعه نمی‌کنند. به همین دلیل حتماً باید سامانه تماس با **جانبازان اعصاب و روان** را داشته باشیم که خانواده‌ها هم قادر به استفاده باشند و آخرین وضعیت آنها را پیگیری کنیم.

هشتگ روز

دیپلماسی با شعرخوانی

لیلا شریف | روزنامه‌نگار | چند سالی می‌شود که مردان سیاستمدار وقتی پشت میکروفون قرار می‌گیرند، به جای استفاده از کلمات او کشیده‌مبیتی بر سیاست‌های خارجی و دیپلماسی از زبان شعر و ادب کمک می‌گیرند؛ درست مانند سفیران کره جنوبی و ونزوئلا در ایران. اگر بخواهیم فهرستی تهیه کنیم از سفیران خارجی در ایران و چهره‌های سیاسی که برای نزدیکی فرهنگی با زیرکی قابل تقدیر از شعر و ترانه‌های قدیمی ایرانی استفاده کرده‌اند، نام‌های مختلفی را می‌توان در این لیست جای داد اما در روزهای اخیر «کیم جونپو» سفیر جمهوری کره جنوبی و «خوسه رافائل سیلوا اپونته» سفیر ونزوئلا در ایران، نبض شبکه‌های اجتماعی را در دست گرفتند. سفیر ونزوئلا با خواندن «هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق» تلاش کرد تا قبل از شروع نشست خبری‌اش و حرف‌زدن از سیاست، خود را آگاه از فرهنگ ایرانی معرفی کند.

هر چند این تلاش سفیر ونزوئلا را می‌توان گامی قابل‌قبول برای نشان دادن چهره‌ای متفاوت از روابط دو کشور معرفی کرد اما با توجه به سابقه سفیر کره جنوبی باید گفت که کlap این شکل از تعامل بین‌الملل در دستان این سفیر خارجی در ایران است. او سال گذشته به بهانه شصت و دومین سالگرد آغاز روابط دیپلماتیک ایران و کره جنوبی با ترانه قدیمی «پرسون پرسون» دل ایرانی‌ها را تصرف کرد و امسال هم اوج گرفتن او هنگام اجرای «جان مریم» به برگ برنده سفارت کره جنوبی در ایران تبدیل شد. این سبک دیپلماسی تنها محدود به سفیران نیست و نیم‌نگاهی به اخبار سیاسی در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که در دوره‌ای هم اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه با خواندن شعرهایی از حافظ و نظامی گنجوی در حضور حسن روحانی رئیس دولت دوازدهم تلاش کرد تا بر رابطه حسنه و نزدیک دو کشور تأکید کند. هر چند این قبیل تلاش‌ها برای نشان دادن چهره‌ای دیگر از دیپلماسی به خوراک مناسبی برای شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده و می‌شود اما واقعیت کوچه و بازار داستان دیگری را روایت می‌کند. باید قبول کرد این نزدیکی‌های سیاسی با دوپینگ به وسیله آوازخوانی و مرور ابیات شاعران ماندگاری چندانی در آذهان مردم ندارد و تنها می‌تواند به تیتری جذاب برای جلب مخاطب سایت‌ها و کانال‌ها تبدیل شود. به عبارت دیگر عملکرد بدون روتوش، همان تصویر ماندگار در ذهن مردم ایران است.

اختیارات بیشتر معلمان

اصل و شرح

در برنامه‌های درسی جدید مدارس، به معلمان اختیارات بیشتری داده می‌شود تا کتاب‌های درسی تنها منبع و مرجع آموزشی نباشند. حجت‌الاسلام علی لطیفی،

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به اینکه برنامه درسی مدرسه‌ای به صورت آژ مایشی در ۸ مدرسه تدریس می‌شود، گفت: کتب درسی متناسب با مناطق مختلف کشور و متناسب با نیازهای گوناگون دانش‌آموزان تالیف و تولید نشده‌اند. ما هم نمی‌توانیم در تهران بنشینیم و برای

۱۵۰هزار نابینای مطلق در ایران

جمعیت نابینا و کم‌بینای کشور حدود یک میلیون نفر است

اشاره به اینکه جامعه توسعه یافته یک جامعه دوستدار انسان است. از اهمیت پیشگیری از معلولیت سخن گفت و یادآور شد: «نخستین آزمون استخدامی ویژه معلولان برگزار شد و در آن ۵ هزار نفر از معلولان شرکت کردند که ۳ هزار نفر جذب ۲ هزار نفر دیگر در حال طی مراحل استخدامی هستند. همچنین هفته گذشته نیز مجوز برگزاری دومین آزمون استخدامی معلولان را دریافت کرده‌ایم.» او همچنین گفت: «در قانون حمایت از حقوق معلولان و قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به

نشست روز جهانی عصای سفید و با شعار «دسترسی نابینایان به فناوری‌های نوین، زمینه‌ساز فرصت‌های برابر» اعلام شد، در ایران نزدیک به یک میلیون نفر دچار اختلال بینایی هستند که حدود ۱۵۰ هزار نفر از آنها نابینای مطلق به شمار می‌آیند. رئیس سازمان بهزیستی در این مراسم با بیان اینکه از یک میلیون نابینای کشور، ۲۵۴ هزار نفر زیر پوشش بهزیستی هستند، گفته: کمک دیگران نیاز دارند. گویا اختراعات نوین برای توانمندسازی معلولان هنوز به ایران راه پیدا نکرده است. بنا به آماری که در

جامعه امروز

محمد سرابی | روزنامه‌نگار |

نزدیک به ۵۲ درصد جمعیت کشور به عنوان نابینا و کم‌بینا در سازمان بهزیستی پرونده دارند که البته تنها بخشی از مبتلایان به اختلال‌های بینایی را تشکیل می‌دهند. در ایران با وجود همه فناوری‌های جدید، هنوز هم عصای سفید نشانه ویژه نابینایان است و آنها برای رفت‌وآمد و دیگر امور روزمره به کمک دیگران نیاز دارند. گویا اختراعات نوین برای توانمندسازی معلولان هنوز به ایران راه پیدا نکرده است. بنا به آماری که در

جامعه امروز



جمعیت

۲۵۴ هزار و ۵۱۵ نفر

نابینا و کم‌بینا تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار دارند.

۱۶۱ هزار و ۴۸۹ نفر: مرد

۹۳ هزار و ۲۶ نفر: زن

۱۹۰ هزار نفر

نابینا از بهزیستی مستمری دریافت می‌کنند.

۷۸۷ نفر

نابینا و کم‌بینا از خدمات مراکز ارائه خدمات توانبخشی در منزل استفاده می‌کنند.

۵۹۷ نفر

نابینا و کم‌بینا از خدمات مراکز مراقبت در منزل بهره‌مند هستند.



اشتغال

۴۲ هزار و ۳۱۱ فرصت شغلی

سال قبل برای افراد دچار معلولیت ایجاد شده که ۴۲۳۶ مورد از آن در اختیار نابینایان قرار دارد.

۱۳۹۷ نفر

نابینا در سال قبل صاحب مسکن شدند.



توانبخشی

۱۰ درصد بودجه وسایل توانبخشی معادل

۵۰۰ میلیارد ریال از اعتبارات تجهیزات کمک

توانبخشی در سال گذشته برای نابینایان صرف شد.

پیشگیری

برنامه کشوری

پیشگیری از تبیلی چشم در کودکان ۳ تا ۶ ساله

سال ۱۳۷۵: شروع برنامه

سال ۱۴۰۳: پوشش ۸۶ درصدی

۶ میلیون و ۲۳۹ هزار کودک

میزان غربالگری انجام شده

۲ میلیون و ۱۰۱ هزار کودک

دچار اختلالات بینایی تشخیص داده شدند.

۴۱۱ هزار کودک

دارای تبیلی چشم شناسایی شدند.

۳ تا ۴ درصد: میانگین تبیلی چشم در جهان

۱٫۵ درصد: میانگین تبیلی چشم در ایران

ونخاعی هفته‌های طولانی را در کما گذراند. در تمام این روزها، شهادت پدر و مادر قهیمة همان راز مگوئی بود که به گوش این دختر جوان نرسید و حالا شهره پیرانی همسر شهید رضایی‌نژاد دانشمند هسته‌ای در پستی اینستاگرامی

نوشت که او با جست‌وجو در اینترنت این خبر تلخ را فهمیده است. انتشار تصویری از قهیمة هاشمی‌تبار که هنوز در بستر بیماری است به نمادی از امید و استقامت تبدیل شده به قول همسر شهید رضایی‌نژاد «قهیمة! انعام معجزه الهی است.»

روزها، شهادت پدر و مادر قهیمة همان راز مگوئی بود که به گوش این دختر جوان نرسید و حالا شهره پیرانی همسر شهید رضایی‌نژاد دانشمند هسته‌ای در پستی اینستاگرامی



آی قصه قصه، آتش و انار و کوچه

بوی آتش هفت‌غله از مشبک‌های لوزی‌شکل کرکره رنگ‌زده سینما نادر داخل می‌رود و به مشام نگهبان افغان سینما می‌رسد. طوایی نمی‌کشد که از پشت کرکره و نزدیک گیشا خاک‌گرفته نمایان می‌شود. با آنکه ناخوانده است ولی فاطمه می‌گوید: «همان است و حبیب خدا و برکت سفره.» تا کاسه‌ها از آتش پرمالات، خالی شوند فاطمه با بییتی از شاهنامه، قصه از سر می‌گیرد: «به روز خجسته سر مهر ماه/ به سر بر نهادن کیانی کلاهد. پادشاهی ۵۰۰ ساله فریدون هم از دومین نوروز باستانی یعنی زمان اعتدال پاییزی (روزهای نخست‌ماه مهر) آغاز شد...» از خوشمزگی‌اش، شرکت‌کنندگان بسیاری به اشتها آمده و میل به پر کردن کاسه دوم دارند. تعداد قابل توجهی هم می‌ریزن؟ «آتش‌تان زیادی کرده/ این را یکی از کسبه کوچه می‌گوید که هم‌قصه و هم‌آتش به دلش نشست: «وسط این حال فرسوده و بی‌تاسب کوچه با گذشته‌اش، حسایی ما را سر ذوق آوردید؛ دم‌تان گرم.» بعد از جمله آخر فاطمه «قصه ما به سر رسید، کلاغه به خونه‌اش نرسید...» شرکت‌کنندگان چند دسته و گمده می‌شوند، دسته‌ای از خاطره‌های شخصی در این کوچه برای هم می‌گویند و گمده‌ای هم که ید طولایی در تهرانگردی دارند ساختمان‌های مهم کوچه را به هم نشان می‌دهند.

خوشمزه پاییزی چیده‌شده: انار، خرمالو، کدو حلوايي و آجیل ۷ خشکباری. فاطمه هاشمی، قصه‌گو بر گزار کننده حدود ۷۰ سال دارد به صندلی‌ها تکیه داده‌اند. «آنجا که ردیف صندلی‌ها تمام می‌شود تعدادی از کسبه کوچه‌ملی نیز ایستاده یا روی چهارپایه‌های چوبی و کپنه‌ای که از مغازه‌هایشان آورده‌اند، نشسته‌اند. پیداست قصه را بیشتر از خواب‌خوش‌روز تعطیل دوست دارند. حتی آقاخانج که از قدیمی‌هاست و با آن همه خاطرات دست اول که از این کوچه شناخته‌شده دارد، خودش قصه‌گویی مفتنم به‌شمار می‌آید. چندی از خاطراتش در آرشيو روزنامه‌ها هست؛ نوشابه‌فروشی، حراج پوست‌های رنگی آرتیست‌های خوش‌قیافه، شلوغی سینماهای شش‌گانه، رفت‌وآمد سلبریتی‌ها و گاهی هم بزین لات‌هایی که مست بودند.

عاقبت به‌خیری علاءالدین وسط کوچه ملی

نوبت بیست و یکمین قصه در کوچه باربد (کوچه ملی)، صبح خنک یک جمعه پاییزی است. شرکت‌کنندگان رویداد از خردسال ۱۰ ساله تا گرم و سرد چشیده‌های روزگار که حدود ۷۰ سال دارند به صندلی‌ها تکیه داده‌اند. «آنجا که ردیف صندلی‌ها تمام می‌شود تعدادی از کسبه کوچه‌ملی نیز ایستاده یا روی چهارپایه‌های چوبی و کپنه‌ای که از مغازه‌هایشان آورده‌اند، نشسته‌اند. پیداست قصه را بیشتر از خواب‌خوش‌روز تعطیل دوست دارند. حتی آقاخانج که از قدیمی‌هاست و با آن همه خاطرات دست اول که از این کوچه شناخته‌شده دارد، خودش قصه‌گویی مفتنم به‌شمار می‌آید. چندی از خاطراتش در آرشيو روزنامه‌ها هست؛ نوشابه‌فروشی، حراج پوست‌های رنگی آرتیست‌های خوش‌قیافه، شلوغی سینماهای شش‌گانه، رفت‌وآمد سلبریتی‌ها و گاهی هم بزین لات‌هایی که مست بودند. مسئول پذیرایی، چای قندپهلوه به شرکت‌کنندگان سراپا گوش، تعارف می‌کند و فاطمه‌سر حوصله، قصه علاءالدین را به قصه مهرگان می‌بافد: «حالا که ردیف مهرگان است اگر غول چراغ‌جادو در خدمت شما بود، از او چی می‌خواستید؟» صداهایی در هم می‌شوند؛ مهرگان چی هست اصلاً؟ من آتش برکت رزقی می‌خواستم، به من به مغازه توی همین کوچه بده.

می‌شود و در سر بعضی دیگر نیز خاطراتی می‌چرخد از فیلم‌های پر فروش فارسی در یکی از سینماهای شش‌گانه کوچه باربد لاله‌زار (ملی) که حالا به قرار رویداد «چهل قصه» می‌انث نشسته‌اند. یک چیز اما در سر همگی‌شان مشترک است و آن روایت‌هایی پراکنده از جشن مهرگان است که وقتی نگاه‌شان به میز کنار دست فاطمه می‌افتد، فکر‌شان را کمی مشغول می‌کند. روی میز میوه و تنقلات

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | درست

همان زمان که فاطمه با آب و تاب از گره داستان علاءالدین و چراغ جادو، چنین می‌گوید: «جادوگر پیر که دید آبیی از علاءالدین گرم نمی‌شه تخته سنگی رو به دهانه غار گذاشت...» در سر بعضی شرکت‌کنندگان، صحنه‌هایی از انیمیشن همین قصه که والت دیزنی ساخت به کیفیت فول‌آدیی پلی

گزارش

افسانه‌های ایرانی پای متروکه‌های تاریخی

از سر شوق، قصه‌های ایرانی را به وقت آیین‌های ملی، پای بناهای قدیمی و مکان‌های تاریخی نقل می‌کند؛ بی‌آنکه پی آورده‌های مالی باشد! ازاد و رایگان برای عموم. کودک هم که بود عروسک‌هایش را تنگ هم می‌نشانند و برایشان قصه می‌گفت؛ قصه‌هایی که اغلب از زبان مادر و مادر بزرگش می‌شنید: «هی خوام براتون قصه بگم. یکی بود یکی نبود...! خرس مهربون ساکت باش از باری یاد بگیر...! خلاصه؛ درخت نارنج دست از نار برمی‌داره و عروس می‌شه...» صدایش رسا و لیش خندان و لب‌لباش به رنگ‌های شاد است: «وسط، بین صندلی‌ها را به قدر راه پارکی برای آمد و شد خالی و خلوت بذارید. باند و میکروفون را تست کردید؟ کسی حواش به دیگ آتش‌هفت‌غله و سماور چای هست؟ قربان‌تان شوم، یک‌سری هم به کاغذنوشته‌هایی که به چند ساختمان مهم کوچه چسبانده‌ام بزنید؛ نکند کنده شد باشند...» کاغذنوشته‌ها به فواصل کم و کوتاه از ابتدا تا انتهای کوچه ۲۰۰ متری باربد (ملی) پیدا هستند. سفت و سخت به جایی از دیوارهای سست یا آجرهای لب‌پز سینما شهرزاد، سینما نادر و یکی دو مترو که دیگر الصاقدن نگاه‌هنگزان را می‌دزدند. کاغذها با تصویری از پوست فیلم‌های معروف فارسی از «گوزن‌ها» تا «گاوه» و تتگسیس‌ر دارند بام مکانی که پیش‌تر آنجا فعال بوده را نشان می‌دهند.